

جایگاه موقعیت جغرافیایی در نظریه های ژئوپلیتیک

دکتر یوسف زین العابدین^۱

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشته جغرافیای سیاسی

انام کارساز

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۹/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۷/۲۵

چکیده

موقعیت جغرافیایی به عنوان عامل اصلی ثابت تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک کشورها مطرح می‌باشد. بنابراین، شناسایی موقع جغرافیایی کشورها اولین قدم در بررسی‌های ژئوپلیتیک است. چرا که، همه کشورهای جهان از موقعیت‌های جغرافیایی خاص برخوردار هستند. در مقاله حاضر، ضمن تحلیل جایگاه موقعیت جغرافیایی در نظریه‌های ژئوپلیتیک که هر یک از صاحب‌نظران ژئوپلیتیک به آن پرداخته‌اند به این سؤال که موقعیت جغرافیایی چه تأثیری بر ژئوپلیتیک کشورها می‌گذارد خواهیم پرداخت. با توجه به ماهیت تحقیق، روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و نیز با استفاده از کارگاه جغرافیایی در محیط GIS می‌باشد که در راستای پاسخ به سؤال فوق اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

- تبیین جایگاه موقعیت جغرافیایی در نظریه‌های ژئوپلیتیک
 - شناسایی موقعیت جغرافیایی کشورها و تأثیر آن بر منافع ملی
- یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی کشورها ناشی از موقعیت جغرافیایی آنهاست و بر اساس همین عامل کشورها به لحاظ قدرت، سطح بندی می‌شوند. از این رو، ژئوپلیتیسین‌ها بنا به مقتضات زمان و مکان همواره نظریه‌های ژئوپلیتیک خود را بر اساس موقعیت جغرافیایی ارائه داده‌اند.
- واژگان کلیدی: موقعیت جغرافیایی، نظریه‌های ژئوپلیتیک، کشورها، منافع ملی، قدرت.

مقدمه

موقعیت جغرافیایی کشور از عوامل تاثیرگذار بر قدرت ملی آن محسوب می‌گردد. به این دلیل، جغرافیا را از کلیدهای اصلی گشودن رمز سیاست دفاعی و استراتژیک می‌دانند (Garnett, 1987, p8) و برخی از این هم فراتر رفته و معتقدند سیاست هر کشور را جغرافیای آن کشور تعیین می‌کند. مقصود از موقعیت جغرافیایی هم اشاره به وضعیت جغرافیایی است و هم استراتژیک. موقعیت جغرافیایی است که مشخص می‌کند یک کشور جزء قدرت-های دریایی، کشورهای محصور در خشکی و یا برخوردار از امتیاز ساحلی بودن است (روشندل، ۱۳۸۴، ص ۷۳). موقعیت جغرافیایی کشور بیشتر در دو مورد موقعیت ریاضی و نسبی مطالعه می‌شود:

موقعیت ریاضی، طول و عرض جغرافیایی است که در شرایط آب و هوایی تاثیر دارد. موقعیت نسبی، نسبت دوری و نزدیکی به دریا و موقعیت یک کشور نسبت به کشورهای همسایه است که در تحلیل وضع جغرافیایی آن کشور موثر است (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۶۷). بنابراین، هر تحقیق جغرافیایی مبتنی بر دو رکن است:

۱. کنجایی: تعیین محل، مکان و موقعیت اشغالی و دست یافتن و علم داشتن بر آن است.

۲. چگونگی: تحقیق چگونگی پدیده‌های سطح زمین و روابط مستند و مستدل آن‌ها متکی بر آن‌چه که روی داده و

یا در حال روی دادن است می‌باشد. بنابراین، اجزا موقعیت عبارتند از:

الف. جهت نسبت به مبدأ قراردادی (جهت یابی). ب. فاصله نسبت به مبدأ قراردادی (فاصله یابی).

نمودار شماره ۱- اجزای موقعیت جغرافیایی



منبع: ودیعی، ۱۳۴۸، صص ۸۵-۸۱

مبانی نظری؛ اهمیت موقعیت جغرافیایی

۱- «سیاست دولت‌ها در جغرافیای آنان است». با توجه به تاریخ هرودوت، این سخن ناپلئون اندیشه کهنی را بیان می‌کند که ریشه آن را از قرن پنجم پیش از میلاد در رساله‌ای در باب «هوا، آب و مکانهای بقراط» می‌توان یافت (دوورژه، ۱۳۶۷، ص ۳۶).

۲- افلاطون درباره موقعیت مدینه فاصله معتقد است که آن نباید در کنار دریا باشد زیرا امکان دارد که بیگانگان به آن راه یابند و با اشاعه عادات تازه و بر هم زدن اتحاد معنوی شهروندان از این جهت خطری برای آن به وجود آورند (موسکا، ۱۳۷۷، ص ۵۳).

۳- ارسطو در کتاب هفتم سیاست خود به موقعیت بیشتر از لحاظ روابط میان اقلیم و آزادی می پردازد. ارسطو همچنین معتقد بود که در یک کشور مستقل ایده آل و نمونه نسبت بین جمعیت، وسعت، قلمرو و کیفیت آن ها مهم است.

۴- استرابو^۱ جغرافی دان یونانی و رومی نیز معتقد بود که میهن او یونان در بهترین موقعیت آب و هوایی قرار دارد و بنابراین بهترین شیوه حکومتی را دارد.

۵- ابن خلدون در قرن چهاردهم میلادی نظریه معروف خود را درباره قبیله و شهر ارائه داد و نقش محیط طبیعی این واحدها را عاملی تعیین کننده دانست.

۶- منتسکیو به موقعیت جغرافیایی از نظر نقش ناهمواری و آب و هوا در کتاب های چهاردهم تا هفدهم روح القوانین در تعیین نظام های حکومتی توجه داشت (میرحیدر، ۱۳۸۵، ص ۴).

۷- ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن درباره نقش عوامل و موقعیت جغرافیایی در پیدایش تمدن معتقد است: «سرزمین هایی که از نظر موقعیت جغرافیایی در مناطق استوایی واقع اند سرزمین کسالت و بی حالی و جوانی یا پیری زودرس و مناطق جغرافیایی که دارای باران کافی هستند از ضروریات توسعه است. در مورد موقعیت جغرافیایی مناطق ساحلی نیز اگر بریدگی سواحل به اندازه ای باشد که کشتی های بازرگانی به سهولت بتوانند در آن سواحل لنگر اندازند و در معبر خطوط بزرگ مواصلات جهانی قرار گرفته باشد، در آن صورت ملتی که در آن سکونت دارد آزادانه ترقی می کند» (دورانت، ۱۳۷۸، صص ۴-۳).

۸- فردریک راتزل با توجه به موقعیت جغرافیایی، سیاست خارجی آلمان را بر اساس توسعه سریع سرزمینی به منظور مقابله با حملات احتمالی از هر طرف متمرکز کرد (برادن و شلی، ۱۳۸۳، ص ۳۷). بر این اساس او هفت قانون را در کتابش «قوانین توسعه فضایی دولت ها» (لورو و توال، ۱۳۸۱، ص ۷) برای رشد فضایی دولت ها تدوین کرده است که با توجه به آن ها، دولت باید با تسلط به سرزمین های کوچک تر، حوزه سرزمینی خود را توسعه دهد و در جریان توسعه سرزمینی به موقعیت های ارزشمند سیاسی دست یابد (Jones and others, 2004, p12).

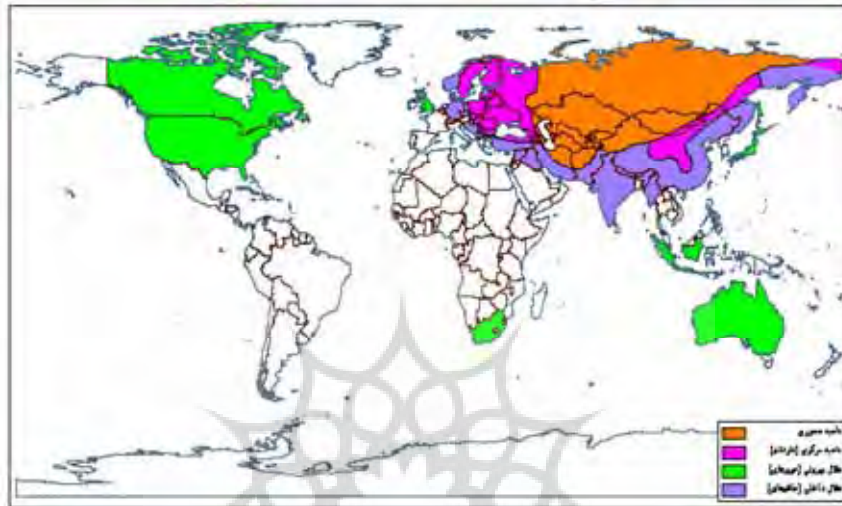
۹- از نظر دریادار آلفرد تایر ماهان^۲ موقعیت جغرافیایی نیمکره شمالی، کلید قدرت جهانی است و در داخل این نیمکره، اوراسیا مهم ترین جزء می باشد (کوهن، ۱۳۸۷، ص ۴۹). چراکه، چهار عامل باعث اهمیت موقعیت دریایی می شود:

- بیش از ۷۰٪ سطح جهان از آب پوشیده شده است.
- ۹۰٪ تجارت جهانی از لحاظ حجم و تعداد از طریق آب صورت می گیرد.
- اکثر شهرهای بزرگ و مناطق پرجمعیت در حد فاصل ۲۰۰ کیلومتری خط ساحلی واقع اند.
- آزادی دریاها به رسمیت شناخته شده است (بیلیس و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۱۶۷).
- ۱۰- سر هالفورد مکیندر به جای قدرت موقعیت بحری قدرت را به موقعیت بری داد. وی معتقد بود بریتانیا باید خود را برای ظهور یک قدرت که پایگاه آن در خشکی است آماده نماید (مینائی، ۱۳۸۶، ص ۲۶). این موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد به نظر مکیندر در اوراسیا قرار داشت (طاهری موسوی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲). از این رو، کسی که بر اروپای

1. Strabo

2. Alfred Thayer Mahan

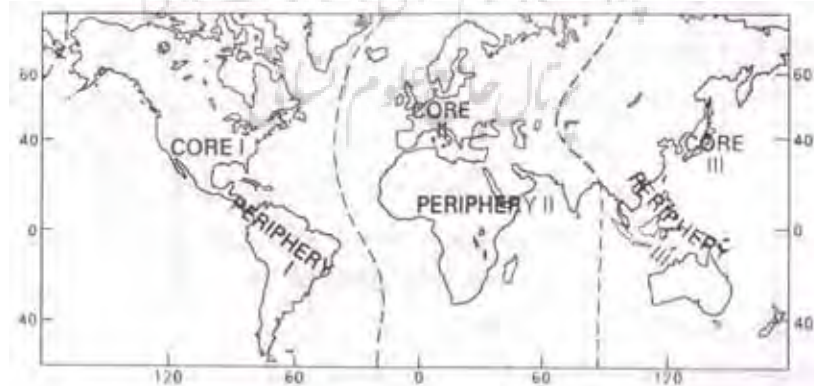
شرقی حکومت کند بر هارتلند فرمان می‌راند، کسی که بر هارتلند حکومت کند، جزیره جهانی را در اختیار دارد، کسی که جزیره جهانی را در اختیار دارد، جهان در دست اوست (بلوئت، ۱۳۸۷، ص ۳). او توجه داشت که اوراسیا (جزیره جهانی) دو سوم مساحت خشکی‌های زمین را در بر گرفته است و یک سوم دیگر از مساحت خشکی‌های زمین شامل قاره‌های آمریکا و استرالیا است. از این رو، جزیره جهانی را کلید تسلط بر جهان می‌دانست (عزتی، ۱۳۷۱، ص ۱۰).



نقشه شماره ۱- هارتلند مکنندر

منبع: زین العابدین، ۱۳۸۹، ص ۵۱

۱۱- به عقیده کارل هاوس هوفر^۱ ژئوپلیتیک تحقیق رابطه بین جغرافیا و سیاست است و باید نشان‌دهنده که چطور موقعیت جغرافیایی سیاست را تعیین می‌کند (قوام، ۱۳۸۶، ص ۹۰). استدلال بنیادین او این بود که جغرافیای سیاسی به شرایط فضایی کشور و ژئوپلیتیک به نیازهای فضایی می‌پردازد. پس، پیشوند ژئو سیاست را به زمین نسبت می‌دهد (مولایی، ۱۳۸۲، ص ۵۱).



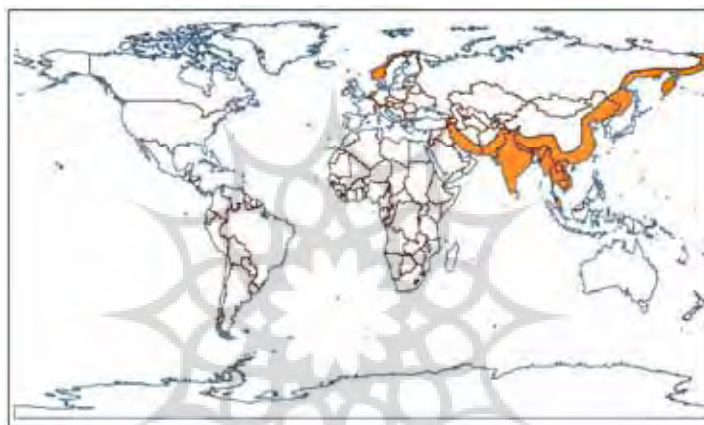
نقشه شماره ۲- مدل فضایی هاوس هافر

منبع: حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸

¹. Haushofer

۱۲- رودلف کیلن^۱ تاثیر موقعیت را بر انسان از لحاظ فیزیکی، روانی، مردم‌شناسی، سیاسی و اجتماعی بررسی می‌نمود. برای او ژئوپلیتیک دقیقاً همچون اکوپلیتیک (ساختار اقتصادی حکومت) و دموپلیتیک (ساختار جمعیتی حکومت) یکی از راه‌های پژوهشی بود که منافعش را به کرات یادآوری می‌کرد (لاکوست و ژیلن، ۱۳۷۸، ص ۴۹). کتاب او «قدرت‌های بزرگ» بعدها به صورت انجیل ژئوپلیتسین های آلمانی در آمد (قوام، ۱۳۸۶، صص ۹۱-۹۰).

۱۳- نیکولاس اسپایکمن^۲ تفسیرش از اهمیت ارتباط موقعیت هارتلند با ارتباط حلقه محاصره اطراف آن اندکی با اظهارات مکیندر متفاوت است. مکیندر این محدوده را هلال داخلی و خارجی می خواند؛ اما، در بیان اسپایکمن سرزمین حاشیه یا ریملند^۳ خوانده می‌شود که در محاصره آب‌ها است (Blacksell, 2006, p140). دلیل اهمیت دادن اسپایکمن به ریملند از نظر وی، این بود که این منطقه امکان ترکیب قدرت بری و بحری را بهتر فراهم می سازد و نیز، بیشترین منابع نیروی انسانی و سهولت ارتباطات در این بخش از جهان وجود دارد.



نقشه شماره ۳- ریملند از نگاه اسپایکمن

منبع: زین العابدین، ۱۳۸۹، ص ۵۶

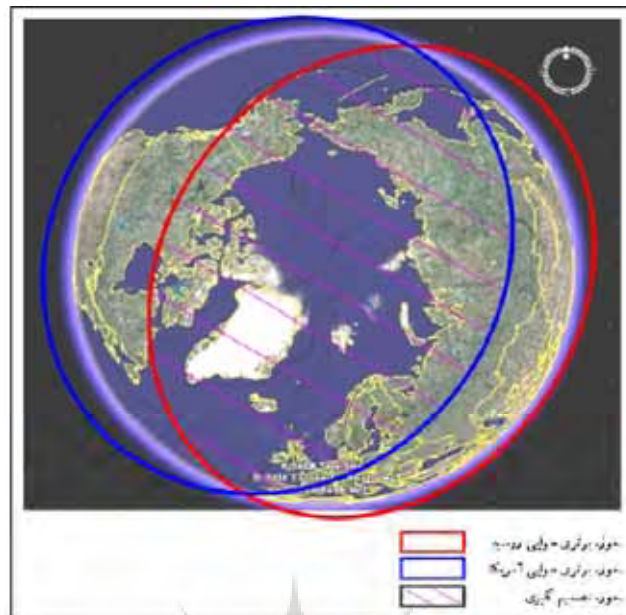
۱۴- الکساندر دوسورسکی^۴ بین موقعیت جغرافیایی زمینی و هوایی برتری را به موقعیت هوایی داده و معتقد است نیروی زمینی باید تابع قدرت هوایی باشد و هر کشوری بر هوا تسلط پیدا کند بر دیگران تسلط می یابد (عزتی، ۱۳۷۱، ص ۷۰). فرضیات او رویارویی ابرقدرت‌ها در خلال جنگ سرد را از شرقی - غربی به شمالی - جنوبی معطوف ساخت و در پیرامون قطب شمال - جایی که تسلط ایالات متحده و شوروی بر یکدیگر همپوشی داشت - یک منطقه تصمیم گیری تعیین نمود (کالینز، ۱۳۸۵، ص ۱۸۱). همچنین، این نظریه موجب توسعه مسابقات تسلیحاتی و هسته‌ای و استفاده از تکنولوژی فضایی گردید (Dikshit, 1982, p126).

^۱ . Kejjellen

^۲ . Nicholas Spykman

^۳ . Rimland

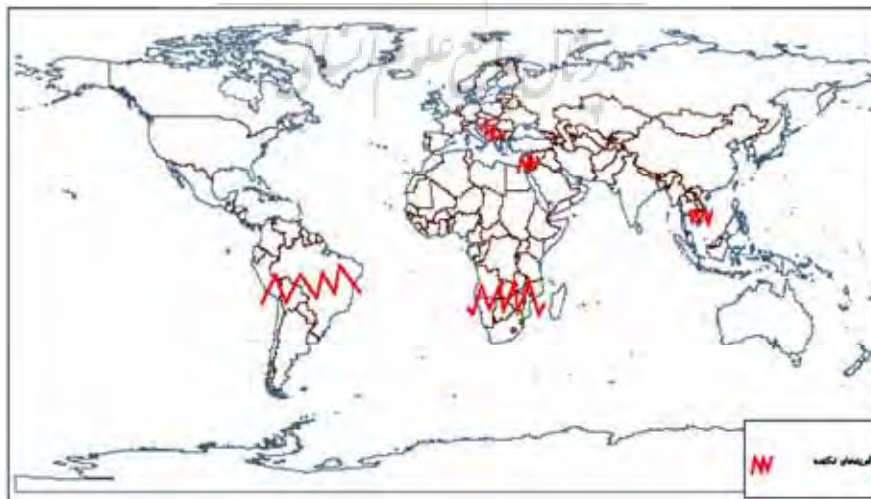
^۴ . Alexander de Seversky



نقشه شماره ۴- جهان از دیدگاه دوسورسکی

منبع: زین العابدین، ۱۳۸۹، ص ۶۱

- ۱۵- مورگنتا، بیشتر به دائمی بودن عامل ژئوپلیتیک توجه کرده و معتقد است از پایدارترین عواملی که قدرت کشور مبتنی بر آن است موقعیت جغرافیایی آن است (اطاعت، ۱۳۷۶، ص ۲۶).
- ۱۶- ژان ژاک روسو نیز در رابطه با موقعیت مطلوب به رابطه وسعت و جمعیت کشورها اشاره می کند و معتقد است که همان طور که برای رشد بدن انسان حدی وجود دارد، وسعت خاک یک کشور هم نمی تواند از یک اندازه معین بیشتر باشد. بنابراین، وسعت حقیقی یک کشور باید به نسبت جمعیت آن کشور باشد (همان، ص ۴۱).
- ۱۷- سوئل بی کوهن مناطقی را که دارای موقعیت بری و بحری هستند و نقش رابط را بین قدرت های بری و بحری ایفا می کنند کمربندهای شکننده معرفی می کند و معتقد است کشورهای دارای موقعیت جغرافیایی این چنین در جریان رقابت بین دو قدرت دریایی و هارتلند قرار می گیرند و خرد می شوند (همان، ص ۳۳).



نقشه شماره ۵- کمربندهای شکننده از نظر کوهن (زین العابدین، ۱۳۸۹، ص ۶۴)

۱۸- جهان بینی ژئوپلیتیک زیگنیو برژینسکی از لحاظ موقعیت جغرافیایی بر نبرد بین موقعیت بری و بحری استوار بود. او کلید مهار سلطه شوروی بر جهان را کنترل کشورهای محوری - که به واسطه موقعیت جغرافیایشان قادر به اعمال نفوذ اقتصادی یا نظامی بودند و دارای اهمیت ژئواستراتژیک نظامی تعریف می شدند- از سوی ایالات متحده می دانست. از دید او رقابت بین موقعیت جغرافیایی دریایی و خشکی (ایالات متحده و شوروی) بازی بی پایانی بود که کنترل کشورهای دارای موقعیت محوری بخش ضروری این بازی ژئواستراتژیک ایالات متحده محسوب می شد (کوهن، ۱۳۸۷، ص ۶۴) و (رک. برژینسکی، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۶ الف و ب).

۱۹- یوردیس فون لوهازن^۱ در کتاب «امپراتوری و قدرت: ژئوپلیتیک امروزی» معتقد است که از لحاظ موقعیت سیاره زمین چون سه نوار خاکی از شمال به جنوب کشیده شده است:

۱- از سرزمین آلاسکا در شمالی ترین نقطه امریکای شمالی تا سرزمین آتش در جزایر تیرائیدل فوئگر در جنوبی - ترین نقطه خاک امریکای جنوبی در کشورهای آرژانتین و شیلی که دنیای جدید را در بر می گیرد و شامل امریکای شمالی، مرکزی و امریکای جنوبی می باشد.

۲- از دماغه شمال در شمال نروژ در قاره اروپا تا دماغه امیدنیک در که قاره های اروپا و آفریقا را در بر می گیرد و ضلع قاره ای دنیای قدیم را می سازد.

۳- از شبه جزیره کامچاتکا در ضلع شرقی کشور روسیه در کنار اقیانوس آرام تا جزیره تاسمانی در جنوب کشور استرالیا که از چین و آسیای جنوب شرقی و اندونزی می گذرد.

میان دو نوار اروپا و آفریقا و استرالیا و آسیا، سرزمین های روسی - سبیری - واقع شده و در مرزهای جنوبی آن خاورمیانه قرار دارد. خاورمیانه مرکز دنیای قدیم است، مرکزی که در دل آن منطقه خلیج فارس قرار دارد و از لحاظ موقعیت به منزله «مرکز مرکز» شناخته می شود (زین العابدین، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶).



نقشه شماره ۶- نوارهای خاکی لوهازن

منبع: همان، ص ۱۷۶

¹. Jordis von Lohausen

۲۰- فرانسیس فوکویاما^۱ در تئوری پایان تاریخ معتقد است بعد از فرو ریختن دیوار برلین نقشه سیاسی جهان از دو بخش متفاوت تشکیل شده است: یک بخش جغرافیایی که شامل اروپای غربی، ژاپن و امریکاست و تمامی تضادها و تناقضات در آن‌ها برآورده شده و به قله تکامل تاریخی دست یافته اند. بخش دیگر از لحاظ موقعیت جغرافیایی شامل بقیه جهان است یعنی حکومت‌هایی که به علت کشمکش با یکدیگر به این حقایق فراگیر دست نیافته‌اند و هنوز در دوران تاریخی به سر می‌برند(همان،ص۱۷۷).

۲۱- برخورد و منازعه بین تمدن‌ها براساس نظر ساموئل پی هانتینگتون^۲ در موقعیت‌های جغرافیایی رخ خواهد داد که جهان از لحاظ فرهنگی به هفت یا هشت تمدن بزرگ تقسیم شده و صحنه اصلی این برخورد در خطوط گسل این فرهنگ‌ها یعنی جاهایی که مرز بین تمدن‌هاست می‌باشد (Huntington, 1996,p21).



نقشه شماره ۷- موقعیت جغرافیایی تمدن‌ها از نظر هانتینگتون

منبع: Agnew, 1999,p122

یافته‌های تحقیق

مکان‌های جغرافیایی به دلیل تشابهات و تفاوت‌های جغرافیایی در سطح کره زمین هر یک از شرایط خاصی برخوردارند، شرایط و ویژگی‌های خاص آن موجب تفاوت‌های ماهیت آنها در تولید نقش‌آفرینی مختلف اقتصادی، سیاسی، استراتژیکی و نظامی می‌شود. لذا، موقعیت را در این مبحث به دو دسته مختلف تقسیم کرده و به توضیح آنها می‌پردازیم:

۱- موقعیت ریاضی و پراکنش کشورها

جغرافی‌دانان براساس درک این مورد که فرایندها و پدیده‌ها چگونه در سایر جاها عمل می‌کنند، می‌توانند پیشگویی‌هایی در مورد ماهیت و عملکرد پدیده‌ها انجام دهند(پورا احمد، ۱۳۸۵، ص۹۶). موقعیت هر نقطه در شبکه جغرافیایی با مشخص کردن فاصله آن از خط استوا(عرض جغرافیایی) و نصف‌النهار مبدأ(طول جغرافیایی)

1. Francis Fukuyama

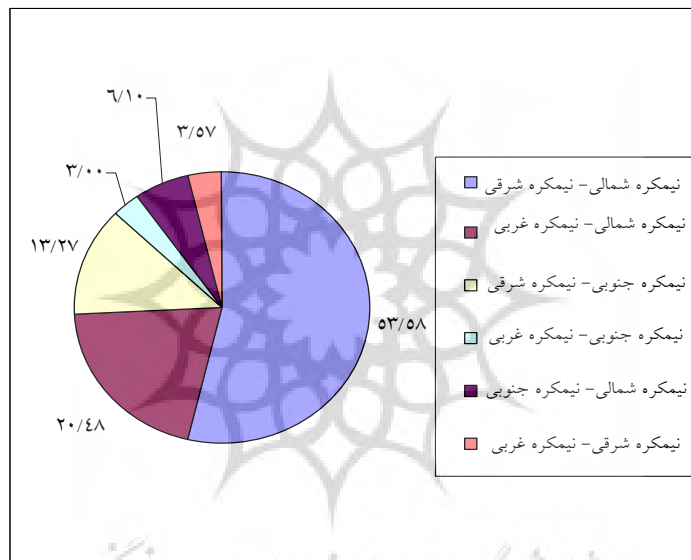
2. Samuel P. Huntington

به دست می آید (یمانی، ۱۳۸۷، ص ۲۱). از این رو، به لحاظ موقعیت ریاضی کشورها در شش موقعیت مورد مطالعه قرار می گیرند.

جدول شماره ۱- مشخصات موقعیت ریاضی کشورها

ردیف	مناطق	تعداد	درصد
۱	نیمکره شمالی - نیمکره شرقی	۱۰۵	۵۳/۵۸
۲	نیمکره شمالی - نیمکره غربی	۴۰	۲۰/۴۸
۳	نیمکره جنوبی - نیمکره شرقی	۳۶	۱۳/۲۷
۴	نیمکره جنوبی - نیمکره غربی	۶	۳/۰۰
۵	نیمکره شمالی - نیمکره جنوبی	۱۲	۶/۱۰
۶	نیمکره شرقی - نیمکره غربی	۷	۳/۵۷
مجموع		۱۹۶	۱۰۰

منبع: مطالعات نگارندگان



نمودار شماره ۲- مشخصات موقعیت ریاضی کشورها

منبع: مطالعات نگارندگان

۲- موقعیت نسبی کشورها

تعیین موقعیت یک پدیده را نسبت به پدیده های مجاور، موقعیت نسبی می گویند (یمانی، ۱۳۸۷، ص ۱۹). منظور از این موقعیت نزدیکی یا دوری کشورها از دریاها و آب های آزاد و یا مجاورت با یک دولت پر قدرت و توسعه طلب است. یک موقعیت نسبی خوب، موقعیتی است که همسایگان کشور از او ضعیف تر باشند تا کشور بتواند انرژی و امکانات خود را به جای صرف دائمی در امور دفاعی برای جلوگیری از تهاجم احتمالی همسایگان در توسعه اقتصادی، صنعتی و اجتماعی به کار گیرد. کشورها را از این لحاظ می توان در موقعیت های بری، بحری، استراتژیک، ترانزیتی، حایل، مرکزی، حاشیه ای و دروازه ای مطالعه نمود. علاوه بر این شکل و وسعت مناسب کشور نیز از عوامل تأثیر گذار بر موقعیت نسبی کشورهاست.

نتیجه گیری

با توجه به ویژگی‌های موقعیت جغرافیایی که توضیح آن گذشت، می‌توان گفت که موقعیت جغرافیایی عامل مهم تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک کشورها تلقی می‌شود. بنابراین، شناسایی موقعیت جغرافیایی در سطح کره زمین اولین قدم در تحلیل ژئوپلیتیک کشورهاست. براین اساس، تمامی کشورهای جهان به‌طور کلی از دو موقعیت ریاضی و نسبی برخوردار می‌باشند. از این رو، اهمیت موقعیت جغرافیایی از گذشته تا به امروز ذهن نظریه‌پردازانی چون ارسطو، ابن‌خلدون، منتسکیو، راتزل و... را به خود جلب نموده است و از لحاظ تأثیرگذاری بر ژئوپلیتیک از جایگاه خاصی برخوردار است. چرا که بر اساس موقعیت جغرافیایی می‌توان تحلیل کرد که کشور مورد نظر در کدام قاره و منطقه جغرافیایی جهان قرار گرفته است و با کدام کشورها همسایه می‌باشد. علاوه بر این، موقعیت جغرافیایی همانند تیغ دو لب است یعنی هم می‌تواند موجب توانمندی کشور شود و هم به دلایلی از جمله سوءمدیریت زمینه ضعف و انحطاط را فراهم نماید. همان‌طور که گفته شد، موقعیت جغرافیایی یکی از کلیدهای اصلی گشودن رمز سیاست دفاعی و استراتژیک است و مجموعه امکانات و محدودیت‌های کشورها را با توجه به شرایط مختلف جهانی نشان می‌دهد. بنابراین، بر اساس موقعیت جغرافیایی می‌توان فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌های ژئوپلیتیک کشورها را مورد تحلیل قرار داد. البته، با توجه به پیشرفت روزافزون تکنولوژی به خصوص موشک‌های قاره‌پیما، ناوهای هواپیمابر، هواپیماهای جنگی و تسلیحات هسته‌ای عده‌ای بر این عقیده‌اند که از اهمیت امتیاز و ویژگی‌های موقعیت جغرافیایی کاسته شده است. اما، بی‌تردید موقعیت جغرافیایی در استراتژی ملی و توسعه کشورها نقش مهمی ایفا می‌کند و عامل اصلی تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک کشورها تلقی می‌شود.

منابع

- اطاعت، جواد (۱۳۷۶). «ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران». تهران: انتشارات سفیر،
- برادن، کتلین و فرد شلی (۱۳۸۳). «ژئوپلیتیک فراگیر». ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما. تهران: انتشارات دوره عالی جنگ،
- برژینسکی، زیگنیو (۱۳۸۱). «خارج از کنترل: اغتشاش جهانی در طلیعه قرن بیست و یکم». ترجمه عبدالرحیم نوه ابراهیم. تهران: انتشارات اطلاعات،
- برژینسکی، زیگنیو (۱۳۸۶). «انتخاب: سلطه یا رهبری». ترجمه امیرحسین نوروزی. تهران: نشر نی،
- برژینسکی، زیگنیو (۱۳۸۶). «پس از سقوط: بازی نهایی در جهان تک قطبی». ترجمه امیرحسین توکلی. [تهران]: انتشارات سبزان،
- بلوئت، برایان (۱۳۸۷). «ژئو استراتژی جهانی (مکیندر و دفاع از غرب)». ترجمه محبوبه بیات. [تهران]: انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد علی صیاد شیرازی،
- بیلیس، جان و دیگران (۱۳۸۲). «استراتژی در جهان معاصر: مقدمه‌ای بر مطالعات استراتژیک». ترجمه کابک خیبری. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک». تهران: انتشارات پاپلی (وابسته به پژوهشکده امیرکبیر جهان)،
- دورانت، ویل (۱۳۷۸). «تاریخ تمدن مشرق زمین گاهواره تمدن-جلد اول». ترجمه احمد آرام و دیگران. تهران: انتشارات شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،
- دوورژه، موریس (۱۳۶۷). «جامعه شناسی سیاسی». ترجمه ابوالفضل شریعت پناهی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران،

- روشندل، جلیل (۱۳۸۴)، «امنیت ملی و نظام بین المللی»، انتشارات سمت .
- زین العابدین، یوسف (۱۳۸۹). «ژئوپلیتیک (ایده - کاربرد) جلد اول». رشت: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت،
- صفوی، سید یحیی (۱۳۸۴). «اصول و مبانی جغرافیای نظامی ایران (جلد اول/ شمال غرب و غرب کشور)». تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)،
- عزتی، عزت الله (۱۳۷۱). «ژئوپلیتیک». تهران: انتشارات سمت،
- قوام، عبد العلی (۱۳۸۶). «اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل». تهران: انتشارات سمت،
- قوام، عبد العلی (۱۳۸۶). «روابط بین الملل نظریه ها و رویکردها». تهران: انتشارات سمت،
- کالینز، جان. ام (۱۳۸۵). «جغرافیای نظامی (جلد دوم/ جغرافیای فرهنگی)». ترجمه محمدرضا آهنی و بهرام محسنی. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)،
- کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷). «ژئوپلیتیک نظام جهانی». ترجمه عباس کاردان. تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر،
- لاکوست، ایو و بتریس ژیلین (۱۳۷۸). «عوامل و اندیشه ها در ژئوپلیتیک». ترجمه علی فراستی. [بی جا]: نشر آمن،
- لورو، پاسکال و فرانسوا توال (۱۳۸۱). «کلیدهای ژئوپلیتیک». ترجمه حسن صدوق و نبی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،
- موسکا، گائتانو و گاستون بوتو (۱۳۷۷). «تاریخ عقاید و مکتب های سیاسی از عهد باستان تا امروز». ترجمه حسین شهیدزاده. تهران: انتشارات مروارید،
- مولایی، علیرضا (۱۳۸۲). «نقدی بر خواندنی های ژئوپلیتیک». تهران: انتشارات دانشکده امام باقر (ع)،
- میرحیدر، دره (۱۳۸۵). «مبانی جغرافیای سیاسی». تهران: انتشارات سمت،
- مینائی، مهدی (۱۳۸۶). «مقدمه ای بر جغرافیای سیاسی ایران». تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه،
- ودیعی، کاظم (۱۳۴۸). «مقدمه ای بر روش تحقیق در جغرافیا و راهنمای مطالعات جغرافیایی و عمران های منطقه ای». تهران: انتشارات دهخدا،
- یمانی، مجتبی (۱۳۸۷). «مبانی نقشه خوانی». تهران: انتشارات دانشگاه تهران،
- Agnew, Jahn (1999). "Revisioning world politics". London: Routledge Publication,
- Blacksell, Mark (2006). "Political Geography". London: Routledge Publication,
- Dikshit, Ramesh Dutta (1982). "Political Geography: A Contemporary Perspective". New Delhy: Tata Mc Graw-Hill Publishing Company Limited.
- Garnett, John (1987). "Defense Policy Making", in John Baylis and others, Contemporary Strategy II, Holmes & Meier, New York.
- Huntington, Samuel (1996). "The Clash of Civilization". New York: Simon and Schuster,
- Jones, Martin and others (2004). "An Introduction to Political Geography: Space, Place and Politics". London: Rutledge publication,